

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فیش منبر

۱۴ خرداد رحلت امام خمینی (ره)


چهار اصل محوری در سیره عملی امام خمینی (ره)





کانال فیش منبر و مرثیه در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار = <http://www.talabeyar.ir>

اندیشه نظری انسان به وسیله دانسته‌هایش شکل می‌گیرد. زمانی که این دانسته‌ها به باور برسد و به عمل در آید، سیره عملی انسان خوانده می‌شود؛ افراد در اجتماع با آن سیره عملی شناخته می‌شوند و نیز ارزش، اعتبار و جایگاه اجتماعی فرد، به اندازه اعتبار اندیشه و عمل اوست. اندیشه و سیره صالحان قابل بازخوانی و الگو برداری است. سیره عملی امام خمینی  از این قبیل است. برای تداوم مسیر انقلاب اسلامی، باید سیره ایشان بازخوانی و تدوین شود تا راهکارهای اجرایی آن در جامعه، شناسایی و عملیاتی شود.

برای شناخت محور اصلی سیره عملی امام خمینی  نگاهی به مسیر علمی ایشان می‌اندازیم. امام، اندیشمند بزرگی بود که دروس ابتدایی را در مکتب‌خانه‌های خمین به پایان رساند و در خلال آن، دروس حوزوی را شروع کرد. او در حوزه‌های علمیه خمین و اراک به تحصیل ادامه داد و در حوزه علمیه قم به ادامه تحصیل و تدریس پرداخت، و در حوزه علمیه نجف اشرف به تدریس اشتغال داشت. ایشان ضمن درس و بحث و تدریس در حوزه‌های علمیه به تدوین کتابهای مهمی پرداخت. با این نگاه، اندیشه نظری ایشان در حوزه‌های علمیه شیعه شکل گرفت. می‌دانیم که اصول عقلی، قرآن و روایات معصومین  پایه‌های اصلی در حوزه‌های علمیه شیعه است؛ از این رو اندیشه نظری ایشان، دین‌مدارانه شکل گرفت و در این مسیر به چنان باوری رسید که سراسر زندگی عملی‌اش در چهار اصل اساسی، خدامحوری، تعقل‌گرایی، قانون‌مداری، اجتهاد و زمان شناسی گنجانیده می‌شود.

اصل خدامحوری و دین‌مداری

انسان، هر عملی را برای هدف و غایتی انجام می‌دهد، و هدف و غایت هر فرد،

۱. صحیفه امام، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش، ج ۱۹، ص ۴۲۸-۴۲۶.

محدود و محصور به اعتقادات و جهان بینی اوست. همچنین ارزش و اعتبار اجتماعی عمل انسان، وابسته به بینش و گرایش اوست. اگر فردی دارای اعتقادی الهی باشد، اثر برجا مانده اش، طبعاً ارزش معنوی و الهی می یابد. اگر کسی، داری اعتقادی مادی و دنیاگرایانه باشد، عملش با نگاه مادی سنجیده و ارزش و جایگاه اجتماعی او نیز مادی گرایانه، محاسبه می شود. مختصرترین سخن در این باب، این ضرب المثل است: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» با این نگاه، عمل انسان در دو اندیشه و قالب، قابل بررسی است: اندیشه مادی (دنیا محور) و اندیشه الهی (خدای محور).

الف) اندیشه دنیا محور

عده ای معتقدند هدف و غایت عمل انسان، همین دنیا است، با این اندیشه، عمل انسان، محصور به فرد (اصالت فرد) و یا اجتماع (اصالت اجتماع) است. پاداش و ارزش عمل چنین فردی به حدّ «خور و خواب و خشم و شهوت» مّلی باشد؛ و یا ارزشش به میزان تحفه و صلّه ٥ حاکمان و زورمداران تنزل می یابد. با این اندیشه، انسان یا در مذبح شراب و کباب و رباب ٦ یا در مذبح حاکمان و زورمداران ذبح می شود. نهایت درجه ترقی اش، میهن دوستی (ملی گرایی) است که باید وطن دوستی را از مرغ پیامورند «وطن داری آموز از ماکیان.» ٤

همچنان که قایل برای پوشاندن کارش، شاگرد کلاغ شد: ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةً أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةً أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ﴾ ٥؛ خداوند، کلاغی را برانگیخت که زمین را می شکافت تا چیزی را در آن پنهان کند و به قایل نشان دهد و به او فهماند که چگونه جسد برادرش را پنهان کند. قایل به خود گفت: وای بر من که مثل این کلاغ هم نفهمیدم تا جسد برادرم را پنهان کنم. پس از پشیمانان شد.»

٢. کلیات اشعار، سعدی شیرازی.

٣. دیوان اشعار، انوری ابیوردی.

٤. دیوان اشعار، علی اکبر دهخدا.

٥. مائده/٣١.

هر فرد به اندازه وسعت اندیشه خودش سیر می‌کند؛ از این رو انسان باید از اندیشه محدود و محصور دنیا بیرون بیاید تا بتواند بازتر بیندیشد و بزرگ‌تر گام بردارد:

طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت
به درآی تا ببینی طیران آدمیت ۶

ب) اندیشه خدامحور

همیشه افرادی هستند که بالاتر از نیازهای فرد و اجتماع می‌اندیشند. آنها خداپرستانی هستند که فرد و اجتماع را در خدمت پیشرفت انسانیت در دنیا و سعادت در آخرت می‌گیرند. هر چند که عده‌ای از خداپرستان در این دریا، در تصوف باطل غرق شدند و همه دنیا و اهل دنیا را هیچ دانستند و گفتند: «پیچ در پیچ است این دنیا و پیچ و مهره‌اش» یا «اندر گردش کون و مکان، هیچ است هیچ»؛ اولی عده‌ای مسیر حقیقی را پیمودند. این خداپرستان، برای رسیدن به هدف نهایی خلقت، دنیا را وسیله قرار دادند؛ در بین اینها افرادی هستند که در صدد ایجاد اجتماعی عالی، یعنی مدینه فاضله‌ای مانند مدینه‌الرسول زمان پیامبر ﷺ هستند تا انسان در آن جامعه، به مرتبه‌ای عالی انسانیت برسد. انسان با این اندیشه، خلیفه‌الله بر زمین است: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^{۱۰} اندیشمندان این گروه، بار مسئولیت خلیفه‌اللهی را برای ترقی بشر بر دوش می‌کشند:

جز سر کوی تو ای دوست، ندارم جایی
در سرم نیست بجز خاک درت سودایی ۱۰

۶. سعدی.

۷. ناهج.

۸. هیچ‌نامه، ناهج قزوینی.

۹. بقره/۳۰.

۱۰. دیوان اشعار، امام خمینی^۱، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^۱، تهران، چاپ پنجاه سوم، ۱۳۸۷ش.






خداوند، پیروان این اندیشمندان را امت وسط خوانده است ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ ایلهها فقط برای خداوند، پیشانی بر خاک می‌سایند تا به افلاک برسند، هر چند افتان و خیزان، طی طریق کنند:
گر تو آدم‌زاده هستی «عَلَّمِ الاسماء» چه شد

«قاب قوسینت» کجا رفته است «أُو أدنی» چه شد ۱۲

انسانی که خلیفه‌الله است، خدایی می‌اندیشد و خدایی عمل می‌کند، تا برسد به آنجا که بگوید:

قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند

قصه عَلَّمِ «الاسماء» به زبان است هنوز ۱۳

امام خمینی  با این اندیشه، دستورهای اسلام را مجموعه‌ای از حقیقت می‌دانست، و در این مسیر به باور و اطمینان قلبی رسیده بود. درک آن باور و اطمینان برای غیر اولیاء الله مشکل، بلکه ناممکن است؛ اما دیدیم که امام خمینی  در عمل، همین گونه بوده است؛ برای نمونه خوب است بدانیم: در زمانی که رژیم پهلوی دست خویش را به کشتار انقلابیون آلوده کرد، شهید آیت الله سعیدی  ① به امام خمینی  گفت: «به نظرم بعد از این، یاران کمتری در مبارزه خواهید داشت.» امام خمینی  فرمود: «آقای سعیدی چه می‌گویید!! به خدا قسم، اگر تمام جن و انس پشت به پشت هم بدهند و در مقابل من بایستند، چون این طریق را حقیقت یافتم، از پای نخواهم نشست.» ۱۴ همچنین در اوج انقلاب، آن زمان که در پاریس بودند و استاد شهید مرتضی

۱۱. بقره/۱۴۲.

۱۲. دیوان اشعار، امام خمینی ، ص ۹۴.

۱۳. همان، ص ۱۲۷.

۱۴. پا به پای آفتاب، امیررضا ستوده، پنجره، تهران، ویرایش دوم، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ص ۲۳۵.


مطهری ① با ایشان ملاقات کرد و به ایران بازگشت، می فرمود: «من در این مرد بزرگ چهار آمن دیدم:

«آمن بهدغه»؛ به هدفش ایمان دارد، دنیا اگر جمع شوند نمی توانند او را از هدفش منصرف کنند.

«آمن بسبيله»؛ به راهی که انتخاب کرده است، ایمان دارد، امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد، شبیه همان ایمانی که پیامبر ﷺ به راه و هدفش داشت. پیامبر ﷺ در جواب اشرف و حاکمان قبایل مکه فرمود: والله اگر آفتاب را به دست راستم و ماه را به دست چپم بدهید (سلطنت تمام عالم را بدهید) از هدفم دست بر نمی دارم. ۱۵
«آمن بقومه»؛ به روحیه مردم ایران ایمان دارد، به ایشان می گفتیم کمی یواش تر، مردم از پای در می آیند، می گفت: این طور نیست، من مردم را بهتر می شناسم، ما همه می بینیم که هر روز، صحت سخن ایشان بیش تر آشکار می شود.

«آمن بربله»؛ از همه مهم تر اینکه ایمان به پروردگارش دارد. در یک جلسه خصوصی گفتند: این ما نیستیم که این چنین می کنیم، من دست خدا را به وضوح حس می کنم.

آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می کند و در راه خدا قدم بر می دارد، خدا هم به مصداق ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ﴾ برانصرت او می افزاید!

امام خمینی  در این مسیر به باوری رسیده بود که برایشان هر مشکلی، یک امری عادی بود؛ حتی شهادت پسرش آقا مصطفی برایش یک امر جزئی بود، ایشان در این باره می فرمود: «این طور قضایا خیلی مهم نیست، پیش می آید. برای همه مردم پیش می آید، خداوند تبارک و تعالی، الطافی دارد ظاهر و الطاف خفیه. ما از الطاف خفیه ای که خداوند نسبت به عبادش دارد ﴿وَ إِنَّهُ لَطِيفٌ عَلٰی عِبَادِهِ﴾ اطلاع نداریم که جزع و فرع می کنیم؛ وگرنه در این طور چیزهایی که جزئی است و مهم نیست، این قدر

۱۵. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۰ ش، ج ۱، ص ۲۶۸ و ۲۶۷.

۱۶. محمد/۷.

۱۷. پیرامون انقلاب اسلامی، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، چاپ هفدهم، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۱ و ۲۲.

بی طاقت نبودیم؛ می فهمیدیم که یک مصالحتی در کار است، یک الطافی در کار است،
یک تربیتهایی در کار است.» ۱۸

چون به این باور و استقامت رسیده بود، خداوند، ترس و اندوه را از قلبش گرفت و
اطمینان قلبی به ایشان داد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ «کسانی که گفتند: خداوند پروردگار ما است و در این راه ایستادگی
کردند، ترس و غم به دل آنها راه ندارد.»

همچنین خداوند طبق وعده‌اش ایشان را یاری می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِ
تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر

خداوند را یاری کنید او شما را یاری می‌کند و شما را ثابت قدم می‌گرداند.» امام

خمینی در مسیر الهی به آنجا رسید که در هر شرایطی فقط خدا را می‌دید و فقط

برای او انجام وظیفه می‌کرد؛ حتی زمانی که رزمندگان در جبهه‌ها پیروزیهای
غرور آفرینی به ثبت می‌رساندند، او در آن زمان نیز متواضعانه می‌گفت: «بارالها! جوانان
رزمنده ایران، فتح را از تو می‌دانند و به قدرت خویش مغرور نیستند و اگر غرور و
سرافرازی هست برای آن است که مورد عنایت و حمایت ذات مقدس تو هستند. تو،
طمأنینه و سکینه را در دل آنان نازل فرمودی و رعب و وحشت را در قلوب دشمنان
آنان که دشمنان اسلامند انداختی. خداوند! هر چه هست از توست، و امید آن داریم که
این عنایت و حمایت را تا پیروزی نهایی ادامه دهی، و پس از آن نیز تا آن گاه که
دشمنان تو و اسلام در نبرد با جنود الله و حزب الله هستند و تا استقرار حکومت الله (بر
جهان تداوم دهی).» (بارالها، از الطاف بیکران تو شکر گزاریم؛ گرچه شکر ما و همه
موجودات در مقابل نعمتهای بی‌انتهای تو ناچیز است. خداوند! اگر عنایات تو نبود ما

۱۸. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.


۱۹. احقاف/۱۳.

۲۰. محمد/۷.


۲۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۵۵.

قدمی به سوی پیروزی نمی توانستیم برداریم. هر چه هست از توست.» ۲۲

دین مداری

خدا محوری زمانی محقق می شود که در چارچوب دین و شریعتی الهی باشد؛ و گرنه ادعای صرف است. امام خمینی  تمام اعمالش در چارچوب اسلام ناب محمدی بوده است. خداوند انسان را آفرید و برای هدایتش به سوی مدینه فاضله در دنیا و سعادت آخرت، راهنمایی فرستاد. انبیای الهی، شریعت الهی را آوردند و خداوند متعال، دین و شریعتش را در قرآن کریم، اسلام نامید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾؛ ۳۱۳ حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.

او آخرین رسولش را پیامبر اسلام ﷺ قرار داد و برای تداوم دینش فرمود: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛ ۴۴ چرا از هر فرقه ای، عده ای کوچ نمی کنند تا در دین عالم شوند و به قوم خود باز گردند و آنها را انذار بدهند تا آنها از کیفر الهی بر حذر باشند.»

امام خمینی  مشمول همین آیه الهی است. او برای تحصیل علوم دینی، مهاجرت کرد و خداوند نیز به سبب صداقت و پایداری در طریقتش، وی را در دین فقیه گردانید. پیامبر خدا ﷺ فرمود: ﴿مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ﴾؛ ۱۵ اگر خداوند به کسی اراده خیر کند او را فقیه در دین قرار می دهد.»

ایشان به اراده الهی، مجتهدی قوی در دین و کاملاً بر فرامین دینی و وظایف شرعی مسلط شد، مرز بین وظیفه شرعی و وسوسه های شیطانی و نفسانی را شناخت و در این باره به همه هشدار می داد: «لازم است آگاه و هوشیار باشید. خود را بازی ندهید (نگویید) که تکلیف شرعی من چنین اقتضا می کند. وظیفه شرعی من چنین است. گاهی شیطان برای انسان، تکالیف و وظایفی تعیین می کند؛ گاهی هواها و خواسته های


۲۲. همان، ج ۱۹، ص ۱۶۱ و ۱۶۰.


۲۳. آل عمران/۱۹.


۲۴. توبه/۱۲۲.

۲۵. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۷۷.

نفسانی به اسم وظیفه شرعی انسان را به کارهایی وامی دارد... این حُب دنیا و حُب نفس است. عَقْلَس از راه بحث با تو پیش می آید و می گوید تو مقام داری، باید مقام خود را برای ترویج شریعت حفظ کنی ... پایین نشستن در مجالس از مقام تو کم می کند، آن وقت خوب نمی توانی به وظیفه شرعی خود اقدام کنی. بدان تمام اینها دامهای شیطان و مکاید نفس است.» ۲۷

امام خمینی  اسلام شناس بزرگی بود. او در دینش به چنان شناختی رسیده بود که برایش باور و اطمینان قلبی حاصل شد. سراسر زندگی اش، به دین اسلام عمل کرده بود؛ و خودش به اسلام مجسم تبدیل شد. شهید سید محمد باقر صدر می گفت: «ذوبٌ فی الخِمنی کما هو ذوبٌ فی الاسلام؛ در خمینی ذوب شوید، چنان که او در اسلام ذوب شده است.» ۲۸

امام خمینی  تمام اعمالش را طبق وظیفه شرعی انجام می داد. در زمانی که بسیاری از ترس رژیم پهلوی (سال ۱۳۴۲ ش) در اصول و فروع دین تقیه می کردند و جرأت هیچ حرکتی را نداشتند، ایشان در باره انقلاب سفید رژیم پهلوی نوشت: «این جانب عازم هستم تا آنجا که ممکن است اقدام کنم و از هر چه پیشامد کند هراسی نکنم تا بلکه تکلیف شرعی خود را ادا کرده باشم.» ۹ هلمه دیدیم که ایشان چگونه عمل کردند.

امام خمینی  نه تنها در اوایل انقلابش بر حسب وظیفه شرعی، وارد میدان مبارزه شد؛ بلکه همواره چنین بود. او در اوج انقلاب، زمانی که بسیاری می خواستند سیاستمداران عمل کنند، به پاریس می رفتند تا با ایشان مذاکره کنند، تا به قول خودشان قدم به قدم حرکت کنند، ایشان فرمود: «من با روش آشتی و بینابینی مخالفم و از اوّل هم با این روش مخالف بودم... اگر همه به طور روشن و قاطع، این موضع را اتخاذ

۲۶. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، سید روح الله موسوی خمینی، معاونت فرهنگی ستاد بزرگداشت امام خمینی، تهران، چاپ بیست پنجم، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۸ و ۱۹.

۲۷. شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ چهل دوم، ۱۳۸۶ ش، ص ۹۷.

۲۸. زندگی و افکار شهید صدر، سید کاظم حسینی حائری، ترجمه حسن طارمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۵۵.

۲۹. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۰۲.

کنند که رژیم شاه باید برود، دیگر رژیم ناگزیر می‌شود سیاست خسته‌کردن را از راه کشتارهای مستمر، و روشهای تازه (جدید) فشار و اختناق (را) کنار بگذارد، و پیروزی ملت نزدیک‌تر می‌شود. کسانی که لیاقت سرنگون کردن این رژیم را داشته باشند، البته با این کار خود ثابت می‌کنند که توانایی اداره کشور را نیز دارند.» ۳۰



همچنین زمانی که امام در رأس حکومت قرار داشت می‌فرمود: «همه ما... یک وظیفه شرعی الهی داریم، (و آن) حفظ حیثیت اسلام و حیثیت نهضت اسلامی (است).» ۳۱

اصل تعقل و تدبّر گرایی

عقل، رسول درونی انسان است: «العقل رسول الحق» ﴿آل‌البیای الهی، رسولان بیرونی برای دنیا و آخرت انسان هستند.

عقل، رسول باطنی خداوند برای انسان است. انسان با همین عقل، اصول دین را اثبات می‌کند و همین عقل در فروع دین، یکی از اصول چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) برای استنباط احکام شرعی است. عقل شمشیر برآن در دست بشر، برای پیشرفت دنیا و سعادت آخرت است: «الْعَقْلُ حَسَامٌ قَاطِعٌ.» ۳۳

مسلمان با عقل، دین را می‌شناسد، زمان و مکان را می‌سنجد، مصلحت زمانه را درک می‌کند و بر اساس آن، تصمیمی می‌گیرد که بتواند در این دنیای پر آشوب، زندگی دینی داشته باشد و به وظیفه شرعی خود عمل کند. مجتهدان علاوه بر عمل، فرامین الهی را نیز برای دیگران بیان می‌کنند تا مردم، زندگی دینی داشته باشند و به وظیفه شرعی خود عمل کنند.

امام خمینی  در هر شرایط زمانی و مکانی، بر حسب وظیفه شرعی، همراه با تدبّر و تعقل عمل می‌کرد و می‌فرمود: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و (مأمور به) وظیفه‌ایم، نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیا و معصومین  در زمان و مکان خود، مکلف به نتیجه


۳۰. همان، ج ۴، ۱۴۶.


۳۱. همان، ج ۱۰، ۱۴۵.

۳۲. غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش، ص ۵۰.

۳۳. همان، ص ۵۰.

بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیش‌تر از توانایی عمل خود، فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلندمدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است، ذکری به میان آورند.» ۳۴

او بر همین اساس، هرگز احساسی و عاطفی تصمیم نمی‌گرفت؛ بلکه با تعقل و تدبّر، همراه با مصلحت‌اندیشی برآمده از زیرکی، تصمیم می‌گرفت؛ برای نمونه در اوایل پیروزی انقلاب، برخوردی صورت می‌گرفت که به مذاق بعضی خوشایند نبود، یا بعضی به عللی دستگیر می‌شدند که موجب اعتراض بزرگان می‌گردید. در همان زمان، امام خمینی  می‌فرمود: «بعد از اینکه این غائله اخیر (بازداشت پسر آیت‌الله طالقانی) حل شد - چنان که حل شده است و خود آقای طالقانی هم الآن در قم هستند و با ما ملاقات کردند، خود ایشان هم از این مسائل ناراحت شدند که یک همچو حرفهایی درست کردند - بعد از اینکه این غائله [تمام] شد، یک غائله‌ای درست می‌کنند...؛ مثلاً احمد ما را می‌گیرند - ولو اینکه اگر احمد را بگیرند بکشند هم من حرفی نمی‌زنم؛ اما اینها می‌خواهند [غائله] درست بکنند - یا مثلاً... پسر یکی از علمای ایران را می‌گیرند یک کاری (شکنجه) سرش می‌آورند، با این کار غائله پیدا می‌شود (ضد انقلابها با این کارها می‌خواهند غائله بسازند).» ۳۵


امام خمینی  بر اساس دین اسلام، با تعقل و تدبّر به وظیفه‌اش عمل می‌کرد؛ از این رو خوب می‌دانستند با یک جناح و یک حزب، کشوری به دمکراسی دینی مطلوب نمی‌رسد. بنابراین در زمان ایشان دو جناح (روحانیت و روحانیون) شکل گرفت و هر دو جناح در حکومت جمهوری اسلامی، حضوری فعال داشتند و ایشان نمایندگان از هر دو جناح در پستهای مختلف کشوری داشتند. نمونه بارز آن اعضای بازنگری قانون اساسی در اردیبهشت ۱۳۶۸ است. ۳۶

۳۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.

۳۵. همان، ج ۷، ص ۴۲.

۳۶. همان، ج ۲۱، ص ۳۶۳ و ۳۶۴.

ایشان نه تنها جامعه روحانیت و روحانیون را قبول داشت و با آنها کار می کرد؛ بلکه شکست آنها را نیز برای کشور و نظام، خطرناک می دانست و می فرمود: «آنها که در طوفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب، نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه، سرگرم بوده اند می توانند در آینده، پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟ راستی شکست هر جناحی از علما و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریان را تضمین می کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می رود؟»^{۳۷} که انقلاب را برنامه ریزی کرد و برای آن، همه هستی خود را گذاشت، خوب می داند مسیر انقلاب در کجا و به دست چه جناحی منحرف می شود؛ از این رو هشدار می دهد و مسیر را بیان می کند.

امام خمینی  عالمی بی نظیر، خدامحور، اسلام مدار، زمان شناس، و تعقل پیشه بود؛ اما هرگز جانب مصلحت دین اسلام، مسلمین، جمهوری اسلامی و ایران را از دست نمی داد و کارهای کشور را با مشورت شوراهای مربوطه انجام می داد: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾^{۳۸} «تأیید و تأییدهای قوی برای اداره کشور پرورش دهد و همچنین به تصمیمات شورا عمل می کرد، هر چند برخلاف نظرش باشد؛ مگر اینکه به مصلحت اسلام، مسلمین و ایران نبوده باشد.^{۳۹}

اصل قانون مداری

زمانی که فرامین الهی به قانون جمهوری اسلامی تبدیل می شد، عمل به قانون را برای همه لازم و شرعی می دانست و می فرمود: «این یک وظیفه شرعی الهی است که


۳۷. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۳.


۳۸. شوری/ ۳۸.

۳۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۱.


من دارم به همه می گویم... این یک مسأله شرعی است، همه مکلفند شرعاً به اینکه کار (وظیفه قانونی خودشان) را انجام بدهند... هر کدام (از سه قوه) به وظایف قانونی شان باید عمل بکنند. قانون برای همه، وظیفه معین کرده؛ اگر یکی دست از قانون بردارد و بخواهد دخالت (در کار) دیگری بکند، بر خلاف شرع عمل کرده است.» ایشان همین گونه که می فرمود، خودش نیز به قانون پایبند بود. عمل بیش از ده ساله ایشان بر مسند حکومت و ولایت، گواهی روشنی بر این سخن است.

زمانی که عده‌ای به اسم اسلام و شریعت، به اقدامات تند و مسأله‌سازی دست می زدند، ایشان نیز فرمان هشت ماده‌ای را صادر کرد و دولت را موظف نمود تا آن را اجرا کند. ۱۳۹۲ هـ.م در چارچوب قانون باشند و به قول رهبر انقلاب که در آن دوران ریاست جمهوری بر عهده داشتند، به قانون عمل کنند.

امام خمینی  از هیئت اجرایی فرمان هشت ماده‌ای را آنقدر حمایت کرد تا آن هیئت توانست قانون گریزان را به مسیر قانونی برگرداند و یا آنان را از کار و مسئولیت خلع کند و مسیر قوای سه گانه کشور را فقط در مسیر قانون قرار دهند. ۱۳۹۳ هـ.م این زمان با تشکر از آنها کارهای مسیر قانونی را پذیرفت. ۴۴




تمام تلاش امام خمینی  در فرمان هشت ماده‌ای برای ایجاد جامعه کریمان در پناه قانون خداوند کریم بوده و هست.


اصل اجتهاد و زمان شناسی

نیازهای متنوع بشر و پیشرفت روزافزون علوم، سبب پدید آمدن نیازهای جدید و متنوعی در زمانهای مختلف شده است. از سوی دیگر دین اسلام، دین خاتم است و دین خاتم باید برای همه ابعاد زندگی انسان دستورهایی داشته باشد. امام خمینی 

۴۰. همان، ج ۱۳، ص ۶۲.
۴۱. همان، ج ۱۷، ص ۱۴۳-۱۳۹.
۴۲. همان، ج ۱۷، ص ۱۷۲.
۴۳. همان، ج ۱۷، ص ۲۸۱.
۴۴. همان، ج ۱۷، ص ۴۶۶.

می فرمود: «اسلام برای ساختن انسان آمده است. کتاب آسمانی اسلام که قرآن مجید است، کتاب تربیت انسان است؛ انسان را به همه ابعادی که دارد، به بُعد روحانی و به بُعد جسمانی، بُعدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی - همه بُعدها - بُعد نظامی، این اسلام آمده است که به ما راه تربیت را نشان بدهد.» ۴۵

ما معتقدیم دین اسلام برای همه عصرها است و برای همه عصر و زمان و مکان دستورهایی شرعی دارد. امام خمینی  خطاب به علما فرمود: «احکام الهی را - که برای همه قرون است - با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم  و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی، استخراج کرده و به عالم عرضه نمایید.  مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.» ۴۷


ما شیعیان معتقدیم هر فرد مسلمان یا باید مجتهد باشد تا بتواند احکام شرعی را از اصول اربعه استنباط کند و یا باید مقلد باشد و احکام شرعی را از مجتهد زنده، اعلم و... تقلید کند. مجتهد اعلم، علاوه بر علوم مورد نیاز برای به دست آوردن احکام شرعی از قرآن و روایت، باید زمانه اش را بشناسد و بر حسب مقتضیات زمان، احتیاجات واقعی مردمان زمانش را شناسایی کند، و احکام آنها را از متن دین استخراج کند، تا دین، پویا و زنده در متن جامعه باقی بماند و مردم دیندار بتوانند زندگی راحتی داشته باشند. امام صادق  در باره این دسته از علما فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ؛ ۴۸


۴۵. همان، ج ۶، ص ۵۳۰.

۴۶. همان، ج ۲۰، ص ۴۴۱.

۴۷. همان، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۴۸. کافی (اصول کافی)، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۲۷.

کسی که عالم به زمانش باشد پلیدیها بر او هجوم نمی آورند و او را فرا نمی گیرد.»
امام خمینی  برای نقش زمان و مکان در اجتهاد می فرمود: «اجتهاد به همان سبک (اجتهاد جواهری) صحیح است؛ ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام، پویا نیست، زمان و مکان، دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم، دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله، در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی کنم. آشنایی به روش برخورد با حيله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاستها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت، استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع (الشرايط) است.» ۴۹



امام خمینی  چنان، دین‌شناس و زمان‌شناس بود که آیت الله بهبهانی در باره‌اش می فرمود: «تنها ایشان (امام خمینی) می تواند محمدرضا پهلوی را از تخت پایین بکشد.» ۵۰

ایشان با شناخت دقیق اسلام و شناخت زمان و مکان، مطالب مهمی را دریافته بود و در نهضت ملی نفت به آیت‌الله کاشانی مطالب مهمی را متذکر می شد. وی در این باره می فرمود: «در زمان کاشانی، هم به وی نوشتم و هم گفتم، که باید جنبه‌های دینی را توجه کنید. (ایشان) نتوانستند و یا نخواستند. ایشان به جای تقویت جنبه‌های دینی و به

۴۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۹.
۵۰. پا به پای آفتاب، ج ۴، ص ۱۳۲.

جای آن که جهات دینی را به جهات سیاسی غلبه بدهند، خودشان سیاسی شدند؛ رئیس مجلس شدند که اشتباه بود. من گفتم باید برای دین کار کنند نه آنکه سیاسی بشوند.» ۵۱



همچنین در زمان زعامت آیت الله العظمی بروجردی ① مطالب دقیقی در جلسات مهم مجتهدان بیان می کرد و در این باره می فرمود: «در جلسه مذاکرات سیاسی با (آیات عظام) آقایان بروجردی، حجت، خوانساری و صدر (رضوان الله علیهم)، گفتم که قبل از هر کاری تکلیف این مقدس نماها را روشن کنید، با وجود آنها مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و یک نفر هم محکم دستهای شما را گرفته باشد، ... آنها شما را در جامعه ضایع می کنند، شما باید قبل از هر چیزی فکری برای آنها بکنید.» ۵۲


امام خمینی  مجتهدی بود که بر مسائل روز جهان مسلط بود؛ از این رو تصمیمات دقیقی می گرفت. پس از رفتن امام به پاریس، بعضی می گفتند: این (به پاریس رفتن) نقشه ما بوده است؛ ولی امام خمینی  فرمود: «بعضیها ادعا کرده اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده، این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد، پاریس را انتخاب نمودم؛ زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود؛ آنان تحت نفوذ شاه بودند؛ ولی پاریس این احتمال نبود.» ۵۳

زمانی که امام در پاریس بود و برخی برای مذاکره به خدمتش می رفتند تا خودشان را به امام وصل نمایند و یا بگویند با ایشان ائتلاف نمودیم، می فرمود: «من مسائل و مطالبی که داشتم، و امکان ندارد یک قدم از آنها برگردم، به ایشان گفتم، و ما با جبهه خاصی ائتلاف نداریم. همه ملت با ما و ما با همه ملت هستیم؛ و هر کس این مطالبی که ما داریم و عبارت است از استقلال مملکت با آزادی همه جانبه و جمهوری اسلامی ... هر کس با اینها موافقت کند از گروه ماست و از ملت است؛ و اگر موافقت نکند، بر خلاف

۵۱. صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۶۸.
۵۲. ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ دهم، ۱۳۷۹ش، ص ۱۴۳.
۵۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۵۲.

مصالح اسلام و ملت گام برداشته است و ما هیچ ربطی با او نخواهیم داشت.» ۵۴

در همان زمان که امام در پاریس بود، برخی تلاش می‌کردند صدای انقلاب را به گوش جهانیان برسانند، آنها حتی در زمان مخصوص نماز، خبرنگار می‌آوردند تا با امام **خمینی** مصاحبه کند. وقتی امام **خمینی** می‌فرمود: «الآن وقت نماز است» ناراحت می‌شدند و می‌گفتند: باید از این فرصتها استفاده کنیم؛ ولی روش امام **خمینی** تمسک به هر چیز در هر زمان نبود، ایشان روش عالی‌تری در پیش داشت، ایشان با شناخت زمان و مکان، در ۲ دی ۱۳۵۷ ش به مناسبت تولد حضرت عیسی  پیامی به مسیحیان جهان فرستاد  شب عید کریسمس به اطرافیانش فرمود هدیه‌ای برای همسایه‌ها فراهم کنند. آنها شیرینی و شکلات را بسته‌بندی کردند؛ اما امام فرمود، اینها (اروپاییها) به گل اهمیت می‌دهند؛ از این رو گل نیز تهیه شد. وی در شب عید کریسمس برای همسایه‌هایش در نوفل لوشاتو، گل و شیرینی فرستاد. این دو حرکت، باعث حضور خبرنگاران زیادی در نوفل لوشاتو و تبلیغات گسترده‌ای برای انقلاب ایران شد و همچنین با این دو رفتار، مردم و مسئولان شهر نوفل لوشاتو به ملاقات امام **خمینی** می‌رفتند و از حضورش در شهرشان، اظهار شادمانی می‌کردند. ۵۶

او رهبری بی‌نظیر و دارای نظریات بی‌بدیلی بودند. در فتوای اعدام سلمان رشدی مرتد  دیدیم که اکثر مسئولان نظام می‌گفتند: همه کشورهای اروپایی، سفیران خود را فرا می‌خوانند و ایران در دنیا منزوی می‌شود؛ ولی امام **خمینی** می‌فرمود: برمی‌گردند و دیدیم که کشورهای اروپایی سفیران خودشان را برگرداندند. وی مجتهد بی‌نظیری بود که نقش زمان و مکان را در یافتن حکم فقهی، مهم می‌دانست و می‌فرمود: «یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی، نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیریها است. حکومت، فلسفه عملی بر خورد با

۵۴. همان، ج ۴، ص ۵۰۱.

۵۵. همان، ج ۵، ص ۲۷۲.



۵۶. پرتوی از خورشید، حسین رودسری، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام **خمینی**، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.


۵۷. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۶۳.


شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند و همچنین در پاسخ به شورای نگهبان درباره معادن یافت شده در زمین شخصی مردم، فرمود: «تبعیت زمین شخصی به مقدار عرفی است؛ (ابزار) و آلات جدیده هیچ‌گونه دخالتی در تعیین مقدار عرفی ندارد؛ ولی تبعیت کشور (از) مقدار (عرفی) بسیار زیاد (بیش تر) است، و دولت حق دارد از تصرف بیش از حق عرفی شخص و یا اشخاص جلوگیری نماید. بنا بر این، نفت و گاز و معادنی که خارج از حدود عرفی املاک شخصی است تابع املاک نیست.»^{۱۹} این فتوای به‌روز ایشان، دین را در حاکمیت جامعه، حفظ کرده و خیلی از مشکلات کشور را حل ساخته است.

بر حسب همین اندیشه، شورای تشخیص مصلحت نظام را تشکیل داد تا مشکلات کشور در چارچوب دین، بررسی و راه حل دینی استخراج شود و نظام اسلامی، همیشه پویا و پاینده بماند.

خلاصه

اصل محوری در سیره عملی امام خمینی  به بینش و گرایش الهی ایشان، یعنی اسلام حقیقی، و به قول خودشان اسلام ناب محمدی با  می‌گردد و از اصل خدامحوری، اصول دیگری در سیره عملی ایشان حاصل می‌آید. در واقع سیره عملی ایشان از خدامحوری نشأت گرفته است.

امام خمینی  انسان غیر معصومی است که نمونه روشن خلیفه‌الله در این عصر است و به قول جیمی کارتر - رئیس جمهور امریکا در زمان انقلاب اسلامی ایران - در روزهای پایانی ریاست جمهوری، به خبرنگار گفت: «اگر خدایی وجود داشته باشد و بتوان او را درک کرد، آن خدا در وجود خمینی تجلی نموده است.»^{۶۱}

امام راحل  خدایی اندیشید و بر اساس فرامین الهی رفتار کرد و خداوند طبق



۵۸. همان، ج ۲۱، ص ۲۱۷ و ۲۱۸.

۵۹. همان، ج ۲۰، ص ۴۰۲.

۶۰. همان، ص ۱۱.

۶۱. حضور، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۰، ص ۲۵.

وعددهاش، خوف و اندوه را از دلش برداشت: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾؛ ۶۲ «کسانی که گفتند: خداوند، پروردگار ما است و در این راه، ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنها فرود می‌آیند و به آنها می‌گویند، نترسید و ناراحت نباشید، به بهشتی که وعده یافته‌اید شاد باشید.»

همه دیدیم که امام خمینی  از هیچ ظالمی در بدترین و سخت‌ترین شرایط نمی‌ترسید. ایشان فقط به فرمان الهی توجه داشت و در مسیر الهی با صلابت ایستاد و فقط به فرامین دین عمل کرد و همه خواندیم که ایشان در آخرین مطالبش با اطمینان نوشت: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم. ۶۳
او رفت و یادگاری برای ما گذاشت که بعد از نبی اسلام ﷺ و امیرالمؤمنین  نظیر نداشت و ندارد. به امید پاسداری از این یادگار با عظمت، برای عظمت اسلام و ایران عزیز.